

## آیا امیرمؤمنان علیه السلام، بر ابوبکر رحمت فرستاده

### و او را اولین و مخلص‌ترین مسلمان دانسته است؟

سؤال کننده: عبد الرحمن

توضیح سؤال:

شما شیعیان اعتقاد دارید که ابوبکر، خلافت را از حضرت علی (رضی الله عنه) غصب کرده است؛ در حالی که خود حضرت علی در جاهای مختلف از ابوبکر تمجید کرده و او را اولین مسلمان، مخلص‌ترین مسلمان، خدا ترس، برتر از همه، دلسوز نسبت به اسلام، نزدیکترین شخص نسبت به رسول خدا صلی الله علیه وآله، و ... دانسته و برایش طلب رحمت کرده است و این سخنان حضرت، با گفته شیعیان در غصب خلافت منافات دارد. تمجید امیر مؤمنان علیه السلام از ابو بکر در این روایت این گونه نقل شده است:

أَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: نَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ، قَالَ: نَا أَبِي، قَالَ: نَا أَبُو الْعَوَّامِ، قَالَ: نَا عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ أُسَيْدِ بْنِ صَفْوَانَ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: لَمَّا تُوفِّيَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ارْتَجَتِ الْمَدِينَةُ بِالْبُكَاءِ وَدَهَشَ الْقَوْمُ، كَيَوْمِ قُبُضِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَاءَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَاكِئًا مُسْتَرْجِعًا، وَهُوَ يَقُولُ: الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ خِلاَفَةُ النَّبِيِّ حَتَّى وَقَفَ عَلَيَّ بَابُ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا بَكْرٍ، كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا وَأَشَدَّهُمْ نَفْسًا، وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ، وَأَعْظَمَهُمْ غَنًى، وَأَخْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَأَحَدَبَهُمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَأَمَنَهُمْ عَلَى أَصْحَابِهِ، أَحْسَنَهُمْ صُحْبَةً، وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ، وَأَكْبَرَهُمْ سَوَابِقَ، وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِهِ، وَأَشَبَّهُهُمْ بِهِ هَدْيًا وَخُلُقًا وَسَمْتًا وَفِعْلًا، أَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً، وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ، وَأَوْثَقَهُمْ عِنْدَهُ، جَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَعَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا، صَدَّقْتَ رَسُولَ اللَّهِ حِينَ كَذَّبَهُ النَّاسُ، فَسَمَّاكَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ صِدِّيقًا وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ: مُحَمَّدٌ، وَصَدَّقَ بِهِ: أَبُو بَكْرٍ...

اسید بن صفوان می‌گوید: زمانی که ابو بکر از دنیا رفت، شهر مدینه سراسر گریه شد و همانند روزی که رسول الله از دنیا رفتند (به شهادت رسیدند)، مردم بی‌تاب شدند. علی بن ابی طالب در حالی که گریه می‌کرد و انا لله وانا الیه راجعون می‌گفت، آمد و فرمود: امروز جانشینی نبوت به پایان رسید، حضرت آمدند تا این که جلوی درب خانه‌ای که جنازه ابوبکر در آن بود، ایستاده و فرمودند: خدا تو را رحمت کند ای ابوبکر، تو اولین کسی بودی که اسلام آوردی و از نظر ایمان خالص‌ترین مردم بودی و دارای نفس قوی بودی و از همه خدا ترس‌تر بودی و از نظر روحی و معنوی از همه برتر بودی و نسبت به رسول الله، بیش از دیگران احتیاط می‌نمودی و از همه نسبت به اسلام دلسوزتر بودی و امین‌ترین فرد برای اصحاب رسول الله بودی و بهترین همراه پیامبر بودی و برترین مردم و با فضیلت‌ترین آنها بودی و بیشترین سابقه را در بین صحابه داشتی و بالاترین درجه را در بین صحابه داشتی و نزدیک‌ترین شخص به پیامبر بودی و شبیه‌ترین مردم به پیامبر از حیث هدایت و اخلاق و کردار بودی و شریف‌ترین منزلت را در بین صحابه داشتی و در نزد پیامبر مورد اعتمادترین فرد بودی خدا از طرف اسلام و رسولش و مسلمین به تو جزای خیر دهد. وقتی رسول خدا را تصدیق کردی که مردم او را تکذیب کردند؛ پس خدا تو را در کتاب خودش صدیق نامید و کسی که کلام صدق را آورد پیامبر بود و کسی که او را تصدیق کرد ابوبکر بود....

اللالکائی ، أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور (متوفای ۴۱۸هـ) ، شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة من الكتاب والسنة وإجماع الصحابة ، ج ۷، ص ۱۲۹۶-۱۲۹۷، تحقیق : د. أحمد سعد حمدان ، ناشر : دار طيبة - الرياض - ۱۴۰۲هـ

الترمذی، محمد بن علی بن الحسن ابوعبد الله الحکیم (متوفای ۳۶۰هـ)، نوادر الأصول فی احادیث الرسول صلی الله علیه وسلم ج ۳، ص ۱۴۲، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، ناشر: دار الجیل - بیروت - ۱۹۹۲م.  
الهیثمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ۸۰۷هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ۹، ص ۴۷-۴۸، ناشر: دار الریان للتراث / دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷هـ.

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱هـ)، جامع الاحادیث (الجامع

الصغیر وزوائده والجامع الکبیر) ج ۱۳، ص ۵۸ طبق برنامه الجامع الکبیر.

حال سؤال این است که آیا این روایت با سند صحیح و معتبر در منابع اهل سنت نقل شده است؟

نقد و بررسی:

در کتاب‌های اهل سنت برای بسیاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله فضیلت‌هایی نقل شده و مقاماتی برای آن‌ها شمرده شده است؛ اما طبیعتاً زمانی می‌توان فضیلتی را پذیرفت که بر اساس مبانی و موازین علمی به اثبات برسد، در غیر این صورت ارزش علمی نخواهد داشت.

روایت فوق نیز از این قاعده مستثنی نیست، از این رو در این مقاله سند و متن روایت مذکور را بررسی می‌نماییم.

پاسخ اول: ضعف سند روایت:

این روایت دو سند دارد که بعضی از افراد موجود در آن‌ها را علمای اهل سنت به شدت تضعیف کرده‌اند:

سند اول:

سند اول این روایت که در ابتدای مقاله ذکر شد این است:

أنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: نا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ، قَالَ: نا أَبِي، قَالَ: نا أَبُو الْعَوَّامِ، قَالَ: نا عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

الْهَاشِمِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ أُسَيْدِ بْنِ صَفْوَانَ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: لَمَّا تُوفِّي أَبُو

بَكْرٍ ...

در این سند دو نفر وجود دارد که در ذیل نظرات علمای اهل سنت پیرامون آنها می‌آید:

۱. عمر بن ابراهیم بن خالد القرشی الهاشمی:

خطیب بغدادی در باره او می‌نویسد:

وكان غير ثقة يروي المناكير

أحمد بن محمد بن سعيد قال عمر بن إبراهيم ضعيف

عمر بن ابراهیم غیر قابل اعتماد است و روایات منکر را نقل می‌کند.

احمد بن محمد بن سعيد گفته: عمر بن ابراهيم ضعيف است.

احمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي تاريخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۰۲ الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب

العلمية - بيروت -

شمس الدين ذهبی در باره او می نویسد:

عمر بن ابراهيم أبو حفص يعرف بالكردي مولى بني هاشم كان غير ثقة.

وقال أحمد بن محمد بن عقدة الحافظ ضعيف.

عمر بن ابراهيم، غير قابل اعتماد، ضعيف است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ۷۴۸ هـ)، تاريخ الإسلام

ووفيات المشاهير والأعلام ج ۱۶، ص ۲۹۵، تحقيق : د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر : دار الكتاب العربي

- لبنان / بيروت، الطبعة : الأولى، ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م

ایشان در کتاب دیگر خود به نقل از دارقطنی و خطیب بغدادی می گوید:

قال الدارقطني كذاب خبيث وقال الخطيب غير ثقة.

عمر بن ابراهيم بسيار دروغگو و خبيث است و قابل اعتماد نیست.

شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي ميزان الاعتدال في نقد الرجال ج ۵، ص ۲۱۷ الوفاة: ۷۴۸ ، دار

النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۹۹۵ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الشيخ علي محمد معوض والشيخ

عادل أحمد عبدالموجود

ابن حجر عسقلانی نیز سخن دار قطنی و خطیب بغدادی را در تضعیف عمر بن ابراهيم نقل کرده است:

وقال الدارقطني كذاب خبيث وقال الخطيب غير ثقة .

دارقطنی می گوید: كذاب و خبيث است و خطیب می گوید كه قابل اعتماد نیست.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، لسان الميزان ج ٤، ص ٢٨٠،  
تحقيق: دائرة المعارف النظامية - الهند، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة: الثالثة،  
١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م

وی در جای دیگر در مورد اصل روایت می گوید:

وروی بن ماجه في التفسير وأبو زكريا في طبقات أهل الموصل وغير واحد من طريق عمر بن إبراهيم  
الهاشمي أحد المتروكين ...

در سنن ابن ماجه بخش تفسیر و ابو زکریا در کتاب طبقات اهل موصل و دیگران از طریق عمر بن ابراهیم  
هاشمی که علما روایت او را ترک کرده اند، نقل کرده است که ...

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة ج ١،  
ص ٨١، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ - ١٩٩٢م

هیثمی همین روایت را نقل می کند و می گوید:

رواه البزار وفيه عمر بن إبراهيم الهاشمي وهو كذاب.

بزار این روایت را نقل کرده است و در سند آن عمر بن ابراهیم هاشمی است که او کذاب است.

الهيثمي، ابوالحسن نور الدين علي بن أبي بكر (متوفى ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ٩، ص  
٤٨، ناشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ

٢. اسید بن صفوان:

ذهبی در دیگر کتاب خود در باره این روایت و راوی دیگر آن می گوید:

حدثنا عمر بن إبراهيم الهاشمي عن عبد الملك بن عمير عن أسيد بن صفوان صاحب النبي صلى الله عليه  
وسلم قال لما توفي أبو بكر ارتجت المدينة بالبكاء وجاء علي باكيا مسترجعا ثم أثنى عليه فساق أربعين  
سطرا يشهد القلب بوضع ذلك وأسيد مجهول.

هنگامی که ابوبکر از دنیا رفت، مدینه از شدت گریه به لرزه افتاد، علی علیه السلام گریه کنان در حالی که آیه انا لله و انا الیه راجعون را می‌خواند آمد سپس او را ستایش کرد و ... چهل سطر پیرامون ابوبکر سخن گفت. ذهبی در ادامه می‌گوید قلب من شهادت می‌دهد که این روایت جعلی است و اسید - راوی روایت - نیز مجهول الحال است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، میزان الاعتدال في نقد الرجال ج ۵ ص ۲۱۷، تحقیق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۵م

بنابراین از نظر ذهبی هم راوی سند مجهول است و هم متن روایت جعلی است و در نتیجه این روایت قابل اعتماد نمی‌باشد.

سند دوم:

این روایت با سند دیگری نیز در کتب اهل سنت آمده است که در آن سند هم اسید بن صفوان موجود است که سخنان علمای رجال اهل سنت در تضعیف و شرح حال وی گذشت. سند دیگرش این است:

وحدثني عمر بن أيوب السقطي، قال: حدثنا الحسن بن عرفة، قال: حدثنا يحيى بن مسعود، قال: حدثني أبو حفص العبدي، عن عبد الملك ابن عمير، عن أسيد بن صفوان صاحب رسول الله ...

أبي بكر محمد بن الحسين الأجرى الشريعة ج ۵، ص ۲۳۴۳ الوفاة: ۳۶۰ هـ، دار النشر: دار الوطن -

الرياض / السعودية - ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، الطبعة: الثانية، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان

الدميجي

پس هر دو سند روایت از اعتبار ساقط است.

پاسخ دوم: نظر واقعی امیرمؤمنان علیه السلام در باره ابوبکر:

با چشم پوشی از ضعف سندی، باز هم روایت فوق قابل پذیرش نیست؛ زیرا با روایات صحیح‌السند و قطعی‌اهل سنت در تعارض است.

به عنوان نمونه صحیح مسلم که از نظر اهل سنت، یکی از صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن است، نظر امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به ابوبکر را چنین روایت می‌کند:

فقال أبو بکر قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما نُورثُ ما تركنا صدقةً فرأيتُمَاهُ كاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا. ...

ابوبکر گفت: رسول الله فرمود: من از خود ارثی به جا نمی‌گذارم و هرچه که بعد از من باقی بماند از اموال صدقه است، عمر به امیر مؤمنان علیه السلام و عباس گفت: نظر شما در باره ابوبکر این بود که او دروغگو، گناهکار، حيله‌گر، و خائن است.

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم ج ۳، ص ۱۳۷۸،

تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

در کتاب صحیح بخاری که برای اهل سنت صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن است آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام ابوبکر را مستبد می‌داند:

وَلَكِنَّكَ اسْتَبَدَدْتَ عَلَيْنَا بِالْأَمْرِ .

البخاري الجعفي، ابوعبدالله محمد بن إسماعيل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاري ج ۴، ص ۱۵۴۹، تحقیق

د. مصطفي ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

بنابراین، روایت مورد استناد شما با این روایات صحیح‌السند در تعارض است و این روایات چون در صحیح‌ترین کتاب‌های اهل سنت آمده است، بر روایت مورد نظر شما مقدم می‌شود.

نتیجه نهائی

از آن چه بیان شد نتایج ذیل به دست می‌آید:

**اولا:** روایت مورد سؤال ، از نظر سندی ضعیف است؛

**ثانیا:** این روایت با روایات صحیح‌السند دیگری که در منابع اهل سنت آمده (که نظر امیرمؤمنان علیه السلام در

باره ابوبکر را نقل کرده‌اند)، در تضاد است و در نهایت از درجه اعتبار ساقط است و مورد قبول نیست.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)